



تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکته الله

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه ۶	تاریخ	۱۴۰۰/۰۸/۲۰
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج			
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط وجوب نکاح یا انکاح			
عنوان ۳	شرط کفویت			
عنوان ۴	اموری که موجب سلب کفویت می شود			
عنوان ۵	کفر			
عنوان ۶	نکاح با کتابیه			
عنوان ۷	<p>فرع دوم: آیا بر زوج لازم است که زن کتابیه خود را از محرمات دارد؟</p> <p>فرع سوم: آیا زن مجوسی نیز در حکم یهودی و نصرانی است یا خیر؟</p>			

مرور درس گذشته

بعد از اینکه مسأله جواز ازدواج با کتابیه را به پایان رساندیم، گفتیم فروعی وجود دارد که مسأله اول را در جلسه قبل بحث کردیم که این بود که آیا لازم است زوج، زن کتابیه را وادار کند که غسل حیض کند یا خیر؛ که اگر غسل نکند، نتواند با او همبستر شود؟ گفتیم اساساً حتی نسبت به جواز استمتاع از مسلمة نیز انقطاع دم کافی است؛ گرچه استمتاع قبل از غسل کراهت دارد؛ اما حرام نیست بنابراین می تواند با کتابیه ازدواج کند و لازم نیست او را امر به غسل کند و اگر هم کتابیه بخواهد غسل کند، به دلیل اینکه قصد قربت از او متأتی نمی شود، غسلش صحیح نیست و اثر طهارت از حدث بر او بار نمی شود.

فرع دوم: آیا بر زوج لازم است که زن کتابیه خود را از محرمات باز دارد؟

آیا بر مرد واجب است که زن کتابیه خود را از محرماتی مانند شرب خمر و اکل لحم خنزیر و کارهایی که بر مسلمان حرام است، نهی کند؟

بحثی که در اینجا وجود دارد که در محل خود مفصل بحث کردیم که آیا کفار مکلف به فروع هستند یا خیر؟ افرادی مثل مرحوم آقای خویی رضوان الله تعالی علیه و برخی بزرگان دیگر معتقدند که کفار مکلف به فروع نیستند؛ بلکه تنها مکلف به یک تکلف اند که مسلمان شوند؛ و دیگر مکلف به نماز و روزه و ترک محرمات نیستند؛ لذا نهی از منکر آنها نیز لازم نخواهد بود؛ یعنی بر مرد لازم نیست که زن کتابیه خود را از محرمات باز بدارد زیرا اصلاً این فعل برای او منکر نیست؛ زیرا او معتقد به حرمت آن نیست و مخاطب به حرمت و مخاطب به وجوب نیست.

اما ما به قوت، ابطال این سخن را اثبات کردیم و گفتیم تکالیف الهی شامل همه می شود و کفار مکلف به فروع هستند؛ لذا کفار بر تکالیف عقاب می شوند؛ در آن آیه کریمه می فرماید:

﴿وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾^۱؛

وای بر مشرکان! * همانها که زکات را نمی پردازند، و آخرت را منکرند!

در این آیه خداوند می فرماید ویل بر مشرکینی که زکات را انجام ادا نمی کنند.

بنابراین وقتی کفار مکلف به فروع هستند، شوهری که زن کتابیه می گیرد، باید او را از ارتکاب محرمات منع کند؛ حال اینکه منع او اثر نکند، حرف دیگری است؛ ولی وظیفه مرد این است که او را از ارتکاب محرمات نهی کند. علاوه بر این قاعده، روایت نیز در این خصوص وجود دارد؛ مانند صحیح ابن وهب و غیره:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ وَغَيْرِهِ جَمِيعًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

«فِي الرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ يَتَزَوَّجُ الْيَهُودِيَّةَ وَ النَّصْرَانِيَّةَ فَقَالَ إِذَا أَصَابَ الْمُسْلِمَةَ فَمَا يَصْنَعُ بِالْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ؟^۲ فَقُلْتُ: لَهُ يَكُونُ لَهُ فِيهَا الْهَوَى قَالَ إِنْ فَعَلَ فَلَيْمَنْعَهَا مِنْ شُرْبِ الْخَمْرِ وَ أَكْلِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَ اعْلَمْ أَنَّ عَلَيْهِ فِي دِينِهِ غَضَاةٌ»^۳؛

شاهد ما اینجاست که حضرت می فرماید: «إِنْ فَعَلَ فَلَيْمَنْعَهَا مِنْ شُرْبِ الْخَمْرِ وَ أَكْلِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ»؛ که اگر با زن یهودیه ازدواج کرد، لازم است که او را از شرب خمر و اکل لحم خنزیر باز بدارد.

اینکه حضرت می فرماید: «وَ اعْلَمْ أَنَّ عَلَيْهِ فِي دِينِهِ غَضَاةٌ»؛ یعنی بداند که با ازدواج با زن یهودیه و نصرانیه، دین او کمی ضعیف می شود و کسر و نقصی در دینش ایجاد می شود؛ لذا این نیز شاهد دیگری است بر اینکه ازدواج با کتابیه گرچه مشروع است، اما کراهت دارد.

اینکه حضرت در این روایت اکل لحم خنزیر و شرب خمر را نام می برد به این دلیل است که این دو مورد مبتلا به هستند و یهودیان و مسیحیان این کار را انجام می دهند؛ اما اینکه دزدی نکنند و یا زنا نکنند که خود آنها نیز بر این معتقد هستند؛ آنچه که ما معتقد به حرمت آن هستیم و آنها معتقد نیستند و مورد ابتلا هم هست، اکل لحم خنزیر و شرب خمر است.

بنابراین اگر کسی با کتابیه ازدواج کرد، بر او لازم است که او را از محرماتی مانند شرب خمر و اکل لحم خنزیر نهی کند و لذا از این استفاده می کنیم که باید او را امر به حجاب کند و هرچه نیاز به قصد قربت ندارد و همچنین منعش کند از او که با نامحرم دست بدهد و ...؛ که باید احکام مربوط به اسلام را رعایت کند. اما در عبادات چون باید رسالت رسول خدا را بپذیرد تا بتواند بگوید خدایا به امر تو این کار را می کنم، زیرا این را رسول خدا گفته است که امر خداست،

۱. سورة فصلت: ۶ و ۷.

۲. از این روایت و روایات دیگر، مسأله کراهت ازدواج با کتابیه را استفاده می کنیم.

۳. وسائل الشیعة؛ کتاب النکاح، ابواب ما یحرم بالکفر، باب ۲، ح ۱.

لذا امر به نماز و روزه، امر به اسلام است که باید امر کند که مسلمان شود؛ که اگر امر کرد و او مسلمان نشد، زوج وظیفه خود را انجام داده؛ اما در توصیلات چنین نیست؛ و وقتی کسی با زن یهودی و نصرانی زندگی کرد، معنایش این نیست که هرچه او طبق نصرانیت و یهودیت خود عمل کرد برای تو جایز است، بلکه باید زوج او را از اعمال خلاف شرعی که برای ما نامشروع است باز دارد.

البته این امر به معروف و نهی از منکر در اینجا تا قبل از ضرب و جرح است؛ مانند امر به معروف و نهی های دیگر که حق ضرب و جرح وجود ندارد؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر ضرب و جرحی مخصوص حاکم است.

فرع سوم: آیا زن مجوسی (زرتشتی) نیز در حکم یهودی و نصرانی است یا خیر؟

آیا احکام زن کتابیه نیز بر زن مجوسی نیز جاری است یا خیر؟
چند بحث در اینجا وجود دارد:

اصل اینکه زرتشتی کتابی است یا خیر؟

روایات متعددی وجود دارد که زرتشتی نیز اهل کتاب به شمار می آید؛ مانند روایت مرحوم کلینی که در این روایت ارسال وجود دارد:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَجُوسِ أَكَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ؟ فَقَالَ: نَعَمْ؛ أَمَا بَلَغَكَ كِتَابُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ أَنْ أَسْلِمُوا وَإِلَّا نَابَذْتُكُمْ بِحَرْبٍ، فَكَتَبُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْ خُذْ مِنَّا الْجِزْيَةَ وَدَعْنَا عَلَى عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ. فَكَتَبَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: أَلَيْ لَسْتُ أَخَذُ الْجِزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ. فَكَتَبُوا إِلَيْهِ يُرِيدُونَ بِذَلِكَ تَكْذِيبَهُ: زَعَمْتَ أَنَّكَ لَا تَأْخُذُ الْجِزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ثُمَّ أَخَذْتَ الْجِزْيَةَ مِنْ مَجُوسٍ هَجَرَ^۱. فَكَتَبَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: أَنَّ الْمَجُوسَ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ فَقَتَلُوهُ وَكِتَابٌ أَحْرَقُوهُ أَنَاهُمْ نَبِيُّهُمْ بِكِتَابِهِمْ فِي اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ جِلْدٍ ثَوْرٍ^۲؛

روایت دیگر روایت شیخ است که مانند روایت قبل است که در این روایت عن بعض اصحابنا ندارد:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ قَالَ: «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَجُوسِ فَقَالَ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ قَتَلُوهُ وَكِتَابٌ أَحْرَقُوهُ أَنَاهُمْ نَبِيُّهُمْ بِكِتَابِهِمْ فِي اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ جِلْدٍ ثَوْرٍ وَكَانَ يُقَالُ لَهُ جَامَاسْتُ^۳؛

روایت دیگر روایت مرحوم صدوق است:

۱. هجر - بفتح تین - : بلد بقرب المدينة.

۲. وسائل الشیعة؛ کتاب الجهاد، ابواب جهاد العدو، باب ۴۹، ح ۱.

۳. همان؛ ح ۳.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: «الْمَجُوسُ تُوْخِذُ مِنْهُمْ الْجَزِيَّةُ لِأَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ سَتُوا بِهِمْ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ وَكَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ اسْمُهُ دَاوُدُ فَقَتَلُوهُ وَكِتَابٌ يُقَالُ لَهُ جَامِاسْتُ، كَانَ يَقَعُ فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ جِلْدٍ ثَوْرٍ فَحَرَّقُوهُ»^۱؛

همچنین مرحوم صدوق در امالی نقل می کند:

عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عَلَى الْمَنْبَرِ: سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي. فَقَامَ إِلَيْهِ الْأَشْعَثُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَيْفَ تُوْخِذُ الْجَزِيَّةَ مِنَ الْمَجُوسِ - وَلَمْ يُنْزَلْ عَلَيْهِمْ كِتَابٌ وَلَمْ يُبْعَثْ إِلَيْهِمْ نَبِيٌّ فَقَالَ بَلَى يَا أَشْعَثُ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ كِتَابًا وَبَعَثَ إِلَيْهِمْ نَبِيًّا الْحَدِيثُ^۲؛

و روایات دیگری نیز وجود دارد که از این روایات به طور کل، اطمینان به صدور مضمون روایات از معصوم پیدا می شود که مجوس، هم صاحب نبی بوده اند و هم صاحب کتاب؛ لذا از اهل کتاب بشمار آمده و احکام کتابی نیز بر آنها بار می شود.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين

۱. همان؛ ح ۵.

۲. همان؛ ح ۷.